

## حقوق شاکی در پرتو حمایت کیفری\*

جواد صالحی\*\*

محمد رضا سخنور\*\*\*

### چکیده

حق برخورداری از دادرسی عادلانه، یک هنجار بین‌المللی حقوق بشری است که در جهت نفی تحدیدات غیرقانونی و خودسرانه علیه حقوق و آزادی‌های اساسی افراد گام برمی‌دارد. این حقوق و تکالیف که به موجب قانون تعیین می‌شوند، علاوه بر این که ناظر بر انواع دادرسی در دادگاه‌ها و تشریفات رسیدگی آن‌هاست، شاکی را به عنوان یکی از اصحاب دعوی شامل می‌شود. از این رو شاکی به عنوان یکی از طرفین پرونده کیفری، دارای حقوق قابل توجهی است. نقش شاکی با اعلام و طرح شکایت شروع می‌شود. شاکی در هر مرحله از دعوی اعم از تعقیب، تحقیق، دادرسی و مرحله اجرای مجازات؛ دارای حقوقی است. این حقوق از ملزومات دادرسی عادلانه است؛ که بایستی از سوی مقامات قضایی به دقت رعایت گردد. هرگونه تحدیدی نسبت به این حقوق، موجب تزلزل روند دادرسی منصفانه می‌شود. قانون‌گذار سعی کرده است با تنظیم سیاست کیفری در جهت حمایت هر چه بیشتر از حقوق افراد گام بردارد؛ از این جهت نسبت به پاره‌ای از بی‌توجهی نسبت به حقوق شاکی، با ضمانت اجرای کیفری واکنش نشان داده است. این عکس‌العمل اگرچه در همه موارد وجود ندارد و یا در برخی موارد با ابهام و یا اجمال مواجه است، تا حدودی توانسته است نویدبخش روند دادرسی عادلانه باشد.

در این مقاله در پی آن هستیم تا با شناسایی حقوق شاکی در نظام عدالت کیفری و ابزار تضمین‌کننده آن در روند دادرسی عادلانه، به تحلیل و نقد آن پردازیم.

**واژگان کلیدی:** شاکی، حمایت کیفری، حقوق دفاعی، حقوق تامینی، دادرسی عادلانه

---

\* تاریخ دریافت: ۸۸/۱۲/۵ تاریخ پذیرش: ۸۹/۳/۲۰

\*\* مربی دانشگاه پیام نور کرمان

\*\*\* وکیل پایه یک دادگستری

## مقدمه

در پرونده کیفری، شاکی به عنوان متضرر از وقوع جرم، نقش بسزایی را ایفا می‌کند. در واقع شاکی با اعلام جرم و طرح شکایت موجب می‌گردد تا چرخه‌های دستگاه عدالت کیفری به حرکت درآیند. شاکی به عنوان فرد ذی‌نفع در دعوی طرح شده، دارای حقوقی است. رعایت حقوق شاکی صرف‌نظر از نتیجه نهایی (موفقیت یا شکست در اثبات جرم و محکوم کردن متهم) از ملزومات دادرسی عادلانه (این مهم در اصول ۳۲، ۳۴، ۳۶ تا ۳۹، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶ و ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بدون این که صراحتاً به واژه‌های دادرسی منصفانه و عادلانه اشاره شده باشد، پیش‌بینی شده) است.

حقوق شاکی به زعم برخی از حقوقدانان، چه بسا که در طرح تا ختم دعوی مورد تحدید یا نقض قرار گیرد. هرگونه خدشه‌ای بر این حقوق موجب برانگیختن احساس بی‌عدالتی در فرد شاکی و جامعه در پیگیری و به مجازات رساندن مجرمین می‌شود. بنابراین مقررات آیین دادرسی کیفری باید متضمن قواعدی باشد که اجرای عدالت کیفری را در خصوص شاکی تأمین نماید؛ ضمن آن که سیاست کیفری؛ واکنش‌ها و پاسخ‌های سرکوبگر (ر.ک. صالحی، ۱۳۸۷: ۲۵) در قبال هر نوع خدشه به حقوق شاکی به کار گرفته شود.

قوانین کیفری وقتی منادی عدالت است که میان حق شاکی و متهم، تعادل برقرار کند. از این رو لحاظ قرار دادن تضمین‌های اساسی در دادرسی عادلانه و مدافعات طرفین اجرای عدالت کیفری و رعایت حقوق شاکی با برقراری محاکمه‌ای منصفانه را که در آن حقوق شاکی محترم شمرده شود، ممکن می‌سازد.

در این مقاله طی سه گفتار به حقوق شاکی در روند دادرسی عادلانه تحت عناوین؛ حق دادخواهی در دادگاه علنی، حقوق دفاعی و حقوق تامینی شاکی در نظام کیفری از حیث حمایت کیفری و تضمین رعایت آن می‌پردازیم.

## گفتار اول: برخورداری از نظام دادرسی عادلانه

### الف) حق دادخواهی در دادگاه علنی

یکی از اصول مهم تضمین کننده دادرسی عادلانه در امور کیفری، اصل علنی بودن دادرسی است. در فرایند رسیدگی کیفری، شاکی باید از پروسه دادرسی عادلانه برخوردار باشد. حق بهره‌مندی از نظام دادرسی عادلانه به این معناست که؛ زمانی که هر شهروند مورد تعدی قرار می‌گیرد، آزادانه بتواند در یک دادگاه صالح اقامه دعوی و احقاق حق کند؛ بدون آن که در حالت نامساعدتری نسبت به طرف مقابل قرار گیرد (آشوری، ۱۳۸۳: ۳۲۵). شاکی در این فرایند از حقوق مختص به خود بهره‌مند است، که یکی از آنها حق دادخواهی در دادگاهی علنی است.

اصول ۳۴ و ۱۶۵ قانون اساسی بر این امر صراحت دارند. برابر اصل ۳۴ قانون

اساسی جمهوری اسلامی ایران:

«دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به

دادگاه‌های صالح رجوع نماید.»

اصل ۱۶۵ نیز بر علنی بودن محاکمات اشاره دارد. حق دادخواهی حقی مطلق

است و احدی نمی‌تواند مانع استفاده از آن شود. تأمین این حق انسانی در اسناد

بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفته است. بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی

و سیاسی<sup>۱</sup> نیز به این مطلب می‌پردازد:

«...هرکس حق دارد تا به دادخواهی او مطابق قانون در یک دادگاه صالح مستقل و

بی‌طرف، به شکل منصفانه و علنی رسیدگی شود. تصمیم به سری بودن جلسات در

تمام یا قسمتی از دادرسی خواه به جهات اخلاق حسنه، نظم عمومی یا امنیت ملی در

یک جامعه دموکراتیک و خواه در صورتی که مصلحت زندگی خصوصی اصحاب

دعوی اقتضا کند و خواه در مواردی که از لحاظ کیفیات خاص، علنی بودن جلسات

مضر به مصالح دادگستری باشد، تا حدی که دادگاه لازم بداند امکان دارد. لیکن تعیین حکم صادره در امور کیفری یا مدنی علنی خواهد بود...» (به نقل از امیر ارجمند، ۱۳۸۱: ۹۹).

ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر<sup>۲</sup> نیز مقرر می‌دارد:

«هرکس با مساوات کامل حق دارد که دعوایش به وسیله دادگاهی مستقل و بی‌طرف، منصفانه و علنی رسیدگی شود...»

ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر<sup>۳</sup> (۱۹۶۹) تحت عنوان «حق دادرسی منصفانه» که به معرفی حقوق فرد در رسیدگی‌های قضایی پرداخته است، در بند ۵ خود مقرر می‌دارد:

«رسیدگی‌های کیفری علنی خواهد بود، مگر هنگامی که حفظ منافع عدالت ضروری باشد و غیرعلنی بودن را اقتضا نماید.»

در قسمتی از بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر<sup>۴</sup> (۱۹۵۰) نیز برخورداری از این حق با عباراتی مشابه تکرار گردیده است. بند «ب» ماده ۱۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر (قاهره - ۱۹۹۰) نیز حق دادخواهی، مراجعه و پناه بردن به دادگاه را از حقوقی دانسته است که برای همه تضمین شده است.

ضمانت اجرای کیفری حق دادخواهی در یک دادگاه علنی، در ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی آورده شده است. بر این اساس، هر یک از مقامات قضایی که شکایت و تظلمی مطابق شرایط قانونی نزد آنها برده شود با وجود این که رسیدگی به آن‌ها از وظایف آنان بوده به هر عذر و بهانه ای از قبول شکایت یا رسیدگی به آن امتناع کند، مجرم و قابل مجازات است.

ماده ۵۹۷ قانون مذکور فقط به حمایت از حق دادخواهی پرداخته است و در مورد علنی بودن، صراحت ندارد. علنی بودن محاکمات از حقوق مصرحی است که قانون

اساسی برای افراد ملت شناخته است و تنها استثنا بر اصل علنی بودن دادگاه این است که دادگاه بر اساس ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری (صرف نظر از این که قضات دادگاه‌ها مطابق این ماده در تشخیص لزوم برگزاری غیرعلنی جلسات رسیدگی، آزاد و خارج از کنترل مرجع بالاتر گذاشته شده اند، که این مسئله به نقض هر چه بیشتر این اصل کمک می‌نماید) (۱۳۷۸) تشخیص دهد که محاکمه باید به صورت غیرعلنی برگزار گردد. به نظر می‌رسد بتوان با توجه به عبارت «...آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید...»، ضمانت اجرای حمایت از این حق را ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی دانست؛ که اگر مقام قضایی مرتکب تخلف مذکور شود، برابر این ماده تحت تعقیب جزایی قرار گیرد.

### ب) حق برخورداری از رسیدگی بی‌طرفانه

استقلال و بی‌طرفی دادگاه دارای دو وجه اساسی؛ یکی استقلال و عدم وابستگی به دیگر قوای حاکم و دیگری عدم وابستگی به اطراف دعوی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در صدر اصل ۱۵۶ اعلام می‌نماید که قوه قضاییه قوه‌ای مستقل است. از مهم ترین اجزای استقلال قوه قضاییه، بی‌طرفی قضات در انجام دادرسی و صدور حکم است.

دادگاه مستقل و بی‌طرف از چنان ثبات و صلابتی برخوردار است که به دور از هر نوع محدودیت، توصیه، مداخله و فشار مستقیم یا غیرمستقیم؛ تصمیمات خود را صرفاً بر واقعیات موجود در پرونده و مقررات قانونی حاکم بر آن واقعیت‌ها استوار می‌سازد (امیدی، ۱۳۷۹: ۱۴). اصل بی‌طرفی قاضی تضمینی برای سلامت دادرسی است و حق برخورداری مردم از یک محاکمه عادلانه و بی‌طرف را به منصه ظهور می‌رساند.

اگرچه حق برخورداری از رسیدگی بی طرفانه، شاید در بادی امر از حقوق متهم تلقی شود، اما اطلاق عام این حق موجب نفی برخورداری شاکی از آن نیست؛ چراکه تصور این که خواسته شاکی به عنوان طرف دیگر دعوی، بدون رعایت این اصل مورد قضاوت قرار گیرد، محتمل است. بنابراین شاکی نیز حق دارد از رسیدگی بی طرفانه برخوردار باشد. ماده ۳۹ قانون آیین دادرسی کیفری لزوم بی طرف بودن قاضی را متذکر شده است:

«دادرسان و قضات تحقیق باید در نهایت بی طرفی تحقیقات را انجام داده و در کشف اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر متهم است بی طرفی کامل را رعایت نمایند.»  
بخشنامه شماره ۱/۷۹/۱۳۳۴۴ - ۱۳۷۹/۸/۲۶ رئیس قوه قضاییه نیز به استقلال و بی طرفی قضات و عدم توجه به توصیه‌ها، نفوذ و سفارش‌های خارج از اصول اشخاص و مقام‌های قضایی تأکید دارد. در بخشی از این بخشنامه آمده است:

«...قضات در جریان اقدام‌های قضایی نباید توصیه‌های خارج از اصول اشخاص و مقام‌های قضایی را مورد توجه قرار دهند و تحت تأثیر نفوذ متنفذین یا افراد مطرح و شاخص، مرتکب اقدام خلاف قانون شوند، والا مورد مواخذه و پیگرد انتظامی قرار خواهند گرفت» (به نقل از گودرزی بروجردی، ۱۳۸۴: ۱۰۳).

لزوم بی طرفی و استقلال قاضی در رسیدگی و دادرسی در ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مورد تأکید و توجه قرار گرفته است. تمامی مواد مورد اشاره در اسناد بین‌المللی با عباراتی مشابه به وجود دادگاه «مستقل و بی طرف» در سیستم‌های قضایی کشورها، تأکید دارند.

ضمانت اجرای کیفری اصل بی طرفی قاضی در دادرسی و بهره‌مند شدن شاکی از

رسیدگی بی طرفانه ماده ۶۰۵ قانون مجازات اسلامی است؛ به موجب این ماده:

«هر یک از مأمورین ادارات و موسسات مذکور در ماده ۵۹۸ که از روی غرض ورزی و برخلاف حق درباره یکی از طرفین اظهار نظر یا اقدامی کرده باشد به حبس تا سه ماه یا مجازات نقدی تا مبلغ یک میلیون و پانصد هزار ریال و جبران خسارت وارده محکوم خواهد شد.»

یکی از مأمورین و مستخدمان دولتی مورد اشاره که ماده ۶۰۵ مصادیق آنها را به ماده ۵۹۸ ارجاع داده است، دارندگان پایه‌های قضایی هستند که به موجب ماده مذکور، اگر برخلاف حق و با غرض ورزی درباره شاکی اقدام نمایند، محکومیت کیفری خواهند داشت.

### ج) حق رسیدگی بدون تأخیر ناروا

تحقیقات مقدماتی و دادرسی بایستی با سرعت انجام شود. البته آنچه از حق رسیدگی بدون تأخیر ناروا بیشتر به ذهن متبادر می‌شود، تسریع در رسیدگی است. اما اگر دادرسی را در معنای اعم و کلیه مراحل آن بدانیم؛ تسریع در رسیدگی شامل سرعت در تحقیقات مقدماتی و رسیدگی می‌شود. لازمه حفظ حقوق شهروندان در فرایند دادرسی؛ سرعت در رسیدگی و عدم تأخیر است. بدیهی است که در مورد شاکی، به دلیل ورود ضرر و زیان ناشی از جرم و لزوم جبران هرچه سریع‌تر آن، تعیین تکلیف موضوع پرونده و رسیدگی بدون تأخیر غیرضروری الزامی است (قربان زاده و خدادادی، ۱۳۸۶: ۱۳۵). در مواد ۴۰، ۶۱ و ۱۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری به «اصل تسریع در تحقیقات مقدماتی» اشاره شده است. سرعت در رسیدگی در مرحله محاکمه نیز مورد تأکید قانون گذار قرار گرفته است. ماده ۲۱۱ همین قانون لزوم سرعت در رسیدگی را یادآور شده و ماده ۲۱۲ نیز تأخیر در صدور رأی را جایز نمی‌داند.

بخشنامه‌های متعدد ریاست محترم قوه قضاییه ارایه دهنده رهنمودها و توصیه‌هایی در خصوص تسریع در تکمیل و رسیدگی به پرونده‌هاست. از جمله این بخشنامه‌ها می‌توان به بخشنامه شماره ۱/۷۹/۱۰۲۷ - ۷۹/۲/۱ اشاره کرد که پیرو بخشنامه شماره ۱/۵۹۷۹ - ۶۹/۱۰/۲۵ و ۱/۶۹۴۹/۶۹ - ۷۰/۱/۱۰ صادر گردیده است (به نقل از گودرزی بروجردی، همان: ۱۳۹).

در مورد حمایت کیفری از این حق شاکی، می‌توان به ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی اشاره کرد:

«هریک از مقامات قضایی که شکایت و تظلمی مطابق شرایط قانونی نزد آنها برده شود و با وجود این که رسیدگی به آنها از وظایف آنان بوده به هر عذر و بهانه اگرچه به عذر سکوت یا اجمال یا تناقض قانون از قبول شکایت یا رسیدگی به آن امتناع کند یا صدور حکم را برخلاف قانون به تأخیر اندازد یا برخلاف صریح قانون رفتار کند...»

به نظر می‌رسد عبارات عام ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی را نیز بتوان در راستای حمایت کیفری از این حق در نظر گرفت. البته این ماده به «تأخیر انداختن صدور حکم برخلاف قانون» و نه به تأخیر در رسیدگی اشاره کرده است. البته از عبارت بعدی همین ماده، تحت عنوان «برخلاف صریح قانون رفتار کند» نیز چنین برمی‌آید که منظور همان تسریع در رسیدگی و تحقیقات نیز باشد. قضات در صورت انجام این تخلفات علاوه بر اعمال مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مذکور، به استناد نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات قضات ۵، محکومیت انتظامی نیز پیدا خواهند کرد؛ که رسیدگی به این تخلفات در دادسرای انتظامی قضات صورت می‌گیرد.



## گفتار دوم: حقوق دفاعی شاکی

### الف) حق دانستن

#### ۱) حق اطلاع از محتویات پرونده

حق مراجعه به پرونده و کسب اطلاعات از پرونده از حقوق مسلم شاکی است؛ اگرچه در قانون آیین دادرسی کیفری اشاره‌ای به این موضوع نشده است. علت این عدم تصریح شاید این نکته باشد که شاکی برخلاف متهم اطلاعات کامل و دقیقی از پرونده دارد. اما به هر حال این احتمال وجود دارد که پرونده حاوی اوراق جدیدی باشد که مقامات قضایی جمع‌آوری کرده‌اند، و شاکی بخواهد از آنها اطلاع کسب نماید. سوالی که قابل طرح است این است که اگر قاضی شاکی را از این حق محروم کند، چه حمایت کیفری از وی در قانون به عمل آمده است؟

به نظر می‌رسد در این مورد شاکی در پناه حمایت قانونی قرار ندارد. چراکه ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری هیچ اشاره‌ای به این حق شاکی ندارد؛ اما شاید بتوان با استناد به این که صدور دستور مبنی بر اطلاع یافتن از محتویات پرونده با دادگاه است، هر نوع امتناع غیرقانونی از صدور این دستور را قابل طرح در دادگاه انتظامی قضات دانست.

#### ۲) حق تهیه رونوشت از صورت جلسات تحقیقات

مطابق ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری، شاکی حق دارد از صورت جلسه تحقیقات مقدماتی که منافی با محرمانه بودن تحقیقات نباشد، پس از پرداخت هزینه، رونوشت بگیرد. آن چه مسلم است به تبع این حق، برای دادگاه نیز تکلیف ایجاد می‌شود. اما رویه قضایی این تکلیف را به رسمیت نمی‌شناسد. برخی از قضات به استناد این که ماده مزبور تکلیفی برای دادگاه ایجاد نکرده است، از دادن رونوشت

امتناع می‌کنند. برخی از مقامات قضایی، محرمانه بودن تحقیقات را عذر می‌آورند. در حالی که قانون‌گذار معیاری برای محرمانه بودن ارائه نداده است. به همین جهت این عذر در برخی موارد موجب استبداد قضات می‌شود. با این وجود، هر نوع تفسیر خارج از عرف قضایی نسبت به این ماده، نوعی تخلف انتظامی و قابل طرح در دادرسی انتظامی قضات است.

## ب) حق بیان و اعتراض

### ۱) حق حضور در جلسه رسیدگی و ارائه دلایل و شواهد

باید به شاکی اجازه و امکان داده شود تا شکایت خود را به طور مشروح و با ذکر دلایل بیان کند؛ شاکی بتواند اسناد و مدارک خود را ارائه دهد (آخوندی، ۱۳۸۲، ج ۵: ۷۲). معمولاً شاکی به هنگام تقدیم شکایت و ثبت آن در دفتر دادسرا، شخصاً پرونده خویش را به نزد بازپرس یا دادیاری که رسیدگی به او ارجاع شده است، می‌آورد. این امر موجب می‌شود، دادیار یا بازپرس ضمن وصول پرونده، توضیحات وی را راجع به شکایت شنیده و در صورت مجلس قید کند و به امضای او برساند (خالقی، ۱۳۸۷: ۱۵۹). ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری حق ارائه دلایل و شواهد را برای شاکی قایل گردیده است، ولی اشاره‌ای به جلسه رسیدگی ندارد. اما مطابق اصول کلی، باید به شاکی حق حضور و ارائه شکایت و دلایل را بالاخص در جرایمی که جنبه خصوصی آن‌ها غالب است، داده شود.

در مورد حمایت کیفری از این حق شاکی، هرچند قانون مجازات اسلامی صراحتی ندارد، ولی می‌توان چنین استدلال کرد که حق حضور در جلسه رسیدگی از تبعات حق دادخواهی است که اصل ۳۴ قانون اساسی صراحتاً به آن اشاره دارد. دادخواهی و به تبع آن حضور در جلسه رسیدگی و ارائه دلایل و شواهد از جمله حقوق اساسی

ملت است که در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی مورد حمایت قرار گرفته است. از این رو، اگر مقام قضایی این حق را از شاکی سلب کند، طبق ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی قابل تعقیب جزایی خواهد بود.

## ۲) حق رد دادرسان، کارشناسان و مترجمین

شاکی حق دارد دادرس، کارشناس و مترجم را به جهات قانونی رد کند. مطابق مواد ۴۶ و ۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری، شاکی پرونده می‌تواند در صورت وجود هر یک از موارد مذکور در این مواد، دادرس و قضات تحقیق را رد کند. این قاعده با در نظر گرفتن روح ماده ۴۶ قانون مذکور، علی‌رغم عدم تصریح نسبت به رد دادستان نیز جاری است (خالقی، همان: ۳۰). اگر قاضی به جهات رد خود در پرونده آگاه باشد، ولی از رسیدگی امتناع نکند و طرفین نیز از آن بی‌اطلاع باشند یا به فرض اطلاع آن را اعلام نکنند، حکم قاضی قابل نقض است.

در مورد رد کارشناس و مترجم نیز شاکی بر اساس ماده ۲۰۳ قانون مذکور می‌تواند مترجم و کارشناس را رد کند. ولی رد مترجم باید مدلل باشد. به هر حال نظر دادگاه در این خصوص قطعی است. اگر بعداً اثبات شود که قاضی در رد کارشناس و مترجم موازین قانونی را رعایت نکرده است، محکومیت انتظامی خواهد داشت. در قوانین جزایی اشاره‌ای چه صریح و چه غیرصریح به حمایت کیفری از این حق شاکی نشده، و قانون در این مورد ساکت است.

## ۳) حق درخواست احضار شهود و مطلعین

مواد ۷۳، ۱۶۰ و ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری به احضار شهود<sup>۷</sup> و مطلعین<sup>۸</sup> اختصاص دارد؛ اما هیچ یک از مواد مذکور صراحتاً حق درخواست احضار فرد یا

افرادی را به عنوان شاهد و مطلع برای شاکی مطرح نکرده اند. از این رو تکلیف دادگاه به پذیرش این درخواست شاکی استنباط نمی‌شود.

بر اساس ماده ۱۹۱ قانون مذکور، به نظر می‌رسد دادگاه برای انجام تحقیقات لازم از افراد تعرفه شده از طرف شاکی، تکلیف دارد؛ حتی اگر انجام این تقاضا را نوعی تکلیف از طرف دادگاه بدانیم، بازهم ضمانت اجرای مشخص در جهت حمایت از این حق شاکی دیده نمی‌شود. البته شاید بتوان با استناد به عبارت «رفتار برخلاف صریح قانون» که در ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی آمده، حمایت کیفری برای این حق شاکی قایل شد. اما آنچه قطع یقین است، عدم رعایت این امر از طرف دادگاه تخلف انتظامی محسوب می‌شود.

#### ۴) حق جرح شهود

ادعای فقدان یکی از شرایطی که قانون برای شاهد مقرر کرده است و از ناحیه طرفین دعوی صورت می‌گیرد، جرح شهود نام دارد؛ این شرایط در ماده ۱۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری تصریح شده است. حق جرح شهود، از حقوق شاکی است. قانون آیین دادرسی کیفری در جهت حمایت از این حق شاکی صراحتی ندارد.

با استفاده از روح قوانین، اصول حقوقی و این که قانون آیین دادرسی کیفری، امره بوده و قاضی ملزم به رعایت آنهاست، می‌توانیم چنین استدلال کنیم که در صورت عدم توجه و عدم رسیدگی به ادعای فقدان شرایط شهود و جرح شهود از سوی شاکی، وی مرتکب تخلف شده و علاوه بر این که حکم صادره نقض می‌شود، بر اساس ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی قابل تعقیب است؛ ضمن آن که طبق ماده ۲۰ نظامنامه «راجع به تشخیص انواع تقصیرات قضات»، محکومیت انتظامی نیز خواهد داشت.

## ج) حق برخورداری از معاضدت

### ۱) حق داشتن وکیل

شاکی حق برخورداری از معاضدت وکیل را دارد. اصل ۳۵ قانون اساسی و مواد ۶۹ و ۱۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری صراحتاً این حق را برای شاکی مقرر داشته‌اند. بر اساس اصول کلی حقوقی و قاعده اجباری بودن پذیرش وکیل، هیچ محکمه‌ای حق ندارد اصحاب دعوی را از داشتن وکیل منع کند و یا به وکیل منتخب اجازه حضور و دفاع از موکل را ندهد. حق حضور وکیل نبایستی تنها منحصر به دادگاه‌ها باشد، بلکه وکیل باید حق حضور در مراجع صالحه از جمله کلانتری را داشته و نسبت به اقامه و تعقیب دعوی اقدام نماید. حمایت کیفری از این حق، صراحتاً پیش‌بینی شده است.

بر اساس ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی که محروم نمودن افراد ملت از حقوق مقرر در قانون اساسی را مستوجب مجازات می‌داند، اگر محکمه‌ای شاکی را از حق داشتن وکیل محروم نماید، طبق این ماده قابل تعقیب و مجازات است. علاوه بر این، به صراحت تبصره ۲ ماده واحده «قانون انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی» (۱۳۷۰)، اگر محکمه‌ای حق گرفتن وکیل را از متهم سلب نماید، حکم صادره فاقد اعتبار قانونی بوده و برای بار اول موجب مجازات انتظامی درجه سه و برای مرتبه دوم موجب انفصال از شغل قضایی است. البته هرچند در تبصره مذکور این حق به متهم اختصاص داده شده است، لیکن بنابر قاعده اجباری بودن پذیرش وکیل در دادگستری و محاکم و اصل حق داشتن وکیل و این که به صراحت اصل ۳۵ همه مردم حق انتخاب وکیل را دارند و شاکی از آن مستثنی نیست.

### ۲) حق درخواست کارشناس و مترجم

در امور و مسایلی که فنی بوده و احتیاج به جلب نظر متخصص دارد، دادگاه باید موضوع را به کارشناس<sup>۸</sup> ارجاع دهد. ماده ۲۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری صراحتی در

این خصوص ندارد، ولی تکلیف دادگاه در مواردی که ارجاع موضوع به کارشناس و مترجم ضروری باشد، از این ماده و سایر اصول حقوقی استنباط می‌شود. به هر حال در این موارد دادگاه ملزم است نظر اهل خبره را جلب نماید؛ چراکه نظر کارشناس، نوعی اماره قضایی است و بسته به اوضاع و احوال موضوع ارجاعی و دلالت های کارشناس در میان سایر امارات و دلایل موجود، دارای ارزش و اعتبار خاص خود می‌باشد.

اگر دادگاهی به این تکلیف قانونی عمل نکند و علی‌رغم درخواست شاکی از ارجاع امر به کارشناس یا مترجم استنکاف ورزد، قانون‌گذار چه حمایتی برای آن در نظر گرفته است؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت: حمایت کیفری صریحی از این حق دیده نمی‌شود و قابلیت استناد به ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی هم بعید به نظر می‌رسد. اما شاید ارتکاب این تخلف از طرف مقام قضایی، براساس ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات قضات، قابل تعقیب و مجازات باشد.

### ۳) حق تعیین قیم برای صغار، مجانین و سفیهان

مطابق ماده ۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری در مواردی که تعقیب امر جزایی منوط به شکایت شاکی خصوصی بوده، متضرر از جرم محجور (صغیر، غیررشید یا مجنون) و دسترسی به ولی یا قیم او نباشد یا مجنی علیه ولی یا قیم نداشته باشد، دادگاه شخص دیگری را به عنوان قیم موقت تعیین می‌کند. با توجه به آغاز به فعالیت مجدد دادرها به نظر می‌رسد ماده واحده «قانون راجع به تعیین قیم اتفافی» (۱۳۱۶) در خصوص تعیین قیم لازم الاجراء باشد. اگر قاضی در رسیدگی کیفری، به تکلیف ماده ۷۲ قانون فوق‌الاشعار عمل نکند، حمایت کیفری صریحی در جهت حمایت از این حق شاکی وجود ندارد.

## گفتار سوم: حقوق تأمینی شاکی

### الف) حق حفظ امنیت جسمانی و روانی شاکی

برای این که شاکی بتواند آزادانه و به دور از هرگونه فشار و تهدید دادخواهی نماید، لازم است که از امنیت جسمانی و روانی برخوردار باشد. تأمین چنین امنیت و تضمینی برای خانواده شاکی نیز ضروری است؛ چراکه در صورت وجود هر نوع خوف جانی، مالی و عدم امنیت روانی، بیشتر افراد ترجیح خواهند داد که از شکایت خود صرف‌نظر و یا اگر اقدام به طرح شکایت کرده‌اند، تحت تأثیر تهدید و فشارهای وارده، از پی گیری و تعقیب شکایت خویش امتناع نمایند.

در اسناد بین‌المللی حق تضمین امنیت جسمی و روانی کلیه افراد مورد تأکید قرار گرفته است؛ براساس ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر:

«هرکس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.»

ماده ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر<sup>۹</sup> نیز حق امنیت اجتماعی اعضای جامعه بشری را به رسمیت شناخته است. بند ۱ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (بند ۱ ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی: «هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد.») نیز بر این نکته تأکید می‌کند. در قوانین کیفری ایران به حمایت کیفری از این حق شاکی صراحتاً اشاره نشده، اما می‌توان آن را از قوانین موجود استنباط و استنتاج نمود.

بر اساس ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی هرگاه کسی دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی نسبت به خود یا بستگان او کند، مجرم و قابل تعقیب است. پس می‌توان با استناد به این ماده، تهدیدکنندگان امنیت جسمانی و روانی شاکی و خانواده وی را تعقیب و مجازات نمود. البته استناد به این ماده، زمانی میسر خواهد بود که صرف تهدید به قتل و یا هر نوع انتقام جویی در میان باشد؛ وگرنه در صورت وقوع هر جرمی که در نتیجه تهدید و انتقام جویی باشد، مرتکب حسب مورد به مجازات مقرر آن عمل محکوم خواهد شد.

از بند ۵ ماده ۶۵۱ قانون مجازات اسلامی در باب سرقت می‌توان تلویحاً در زمینه حمایت از بزه دیده (شاکی)، حمایت‌هایی را مشاهده نمود. بند ۵ ماده ۶۵۱ قانون مزبور در بیان شرایط سرقت، تهدید در ضمن سرقت را باعث تشدید مجازات دانسته است. هرچند برخی دامنه بند مزبور را مخصوص موردی می‌دانند که تهدید در حین سرقت و برای تسهیل سرقت باشد (شکری و قادر، ۱۳۸۱: ۷۰۸)، اما چه بسا که مالباخته خود در هنگام سرقت حضور داشته و شاهد وقوع جرم باشد و شناسایی سارق یا سارقین به وسیله آنها، موجبات تهدید و ترساندن بزه دیدگان را توسط مجرمان، فراهم آورد. اما برخلاف نظر این دسته و نظریه شماره ۱۳۵۳/۱۲/۳ اداره حقوقی قوه قضاییه که اشعار می‌دارد تهدید موضوع این بند صرفاً جهت تسهیل ارتکاب جرم می‌باشد، به نظر می‌رسد تهدید می‌تواند علاوه بر تسهیل وقوع جرم برای در امان ماندن سارقین از طرح شکایت بزه دیدگان، گزارش جرم و ادای شهادت توسط شهود باشد.

آنچه نظر فوق را تایید می‌نماید این است که در فرض بند ۵ ماده ۶۵۱ قانون مذکور، چون مالباختگان با رویت و شناسایی سارقین خطر دستگیری آنها را افزایش می‌دهند. لذا سارقین به تهدید آنها مبادرت می‌کنند تا بدین وسیله از همکاری بزه دیدگان با نهادهای عدالت کیفری ممانعت به عمل بیاورند. بنابراین، به نظر می‌رسد فلسفه تشدید مجازات در این بند نمی‌تواند صرفاً تسهیل وقوع جرم باشد، بلکه ملاحظه حمایت از بزه دیدگان و شهود سرقت نیز در این امر دخیل می‌باشد (میرزائی، ۱۳۸۶: ۲۳۶).

همچنین به نظر می‌رسد ماده ۱۴ قانون «اقدامات تأمینی» (۱۳۳۹) نیز نوعی حمایت کیفری از فردی که تهدید به هرنوع انتقام جویی شده است، محسوب شود. هرچند در این ماده دادگاه مخیر شده از تهدیدکننده بخواهد که تعهد دهد مرتکب جرم نگردد و برای این امر وجه الضمانه متناسب بدهد.<sup>۱</sup>



### ب) حق حفظ حرمت و حیثیت اجتماعی و برخورداری از رفتار صحیح

به موجب این حق، بایستی حرمت و حیثیت اجتماعی هر فردی از جمله شاکی در دادخواهی حفظ و در مراجعه به مراجع قضایی برای تظلم و دادخواهی از رفتار صحیح و غیرتوهین آمیز برخوردار گردد. هرچند در اکثر اسناد بین‌المللی به حفظ حرمت و حیثیت اجتماعی متهم و نه شاکی اشاره شده، لکن لزوم رعایت حرمت و کرامت تمامی انسان‌ها به موجب موازین اخلاقی و انسانی در جامعه بشری امری پذیرفته شده است. مضافاً این که این مسئله از عبارت «هر شخص یا هر کس» استنباط می‌شود.

بند ۶ اصل دوم قانون اساسی یکی از پایه‌های نظام اسلامی را ایمان به کرامت و ارزش والای انسان می‌داند. در بند ۴ ماده واحده «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» (۱۳۸۳) نیز، به رفتار و برخورد صحیح با افراد از جمله شاکی تأکید گردیده است.

با توجه به نکات مذکور اگر شاکی در رسیدگی‌های کیفری و یا پیگیری پرونده و شکایت خویش با رفتاری توهین آمیز و به دور از شأن انسانی مواجه گردد حق دادخواهی را دارد که با مرتکب بسته به عمل ارتكابی برخورد خواهد شد (به عنوان مثال، می‌توان به ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی اشاره کرد).

### ج) حق حفظ حریم خصوصی و اسرار و اطلاعات شخصی

اصل ۲۵ قانون اساسی بر لزوم رعایت این حق تأکید دارد. به موجب این اصل هرگونه بازرسی و تجسس در اسرار، اطلاعات، مکالمات افراد، مگر به حکم قانون ممنوع است. در اسناد بین‌المللی از جمله ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر<sup>۱۱</sup> و ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی<sup>۱۲</sup> و ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر<sup>۱۳</sup> هرگونه مداخله در اسرار و اطلاعات افراد ممنوع شناخته شده است.

به نظر می‌رسد تبصره ماده ۱۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری حق حفظ اسرار و اطلاعات شخصی افراد از جمله شاکی را مخدوش می‌سازد. این ماده حق کنترل تلفن افراد را به نظر قاضی واگذار نموده است. اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۶۳۹۲ / ۷-۱۲/۸ / ۱۳۷۸ اعلام داشته که کنترل تلفن افراد باید منحصرأ به دستور قاضی رسیدگی کننده باشد. برای حمایت از این حق ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی قابل استناد است که هر نوع استراق سمع و دخالت غیرمجاز در مراسلات، مخابرات و یا مکالمات تلفنی در غیر از موارد قانونی، مستوجب محکومیت به حبس و یا جزای نقدی مقرر در ماده مذکور است. همچنین ماده ۶۴۸ همان قانون نیز حمایت کیفری دیگری در راستای حفظ اسرار و اطلاعات اشخاص از جمله شاکی می‌باشد.

#### د) حق جبران خسارت تضمین حقوق مالی

##### ۱) حق جبران خسارت مادی و معنوی ناشی از تقصیر یا اشتباه قضایی

هرچند از این حق بیشتر جبران خسارت متهم به ذهن متبادر می‌شود، لیکن حکم اصل ۱۷۱ قانون اساسی و عبارات کلی آن، تردیدی باقی نمی‌گذارد که این حق برای شاکی نیز متصور است. اگر از تقصیر یا اشتباه مقام قضایی، خسارت مادی یا معنوی متوجه شاکی گردد، وی می‌تواند جبران آن را بخواهد. از ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی نیز این نکته فهمیده می‌شود. اما با این وجود در اسناد بین‌المللی فقط به جبران خسارت وارده به متهم در نتیجه اشتباه و یا تقصیر مقامات قضایی تأکید شده و سخنی از جبران خسارات شاکی به میان نیامده است.

در مورد حمایت کیفری از این حق شاکی، به مانند متهم خلاء تقنینی وجود دارد. به جز حکم ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی که فقط به بیان جبران خسارت پرداخته، هیچ مورد دیگری در قوانین جزایی یافت نمی‌شود. به نظر می‌رسد با توجه به قواعد

کلی حقوقی، شاکی نیز در مواردی که از تقصیر یا اشتباه مقام قضایی متحمل خسارت مادی و یا معنوی شده است، باید اقدام به اقامه دعوی حقوقی از طریق تقدیم دادخواست نماید.

## ۲) حق استرداد اموال

به موجب این حق، اموالی که به نحوی از انحاء و در نتیجه ارتکاب جرم از دسترس شاکی خارج شده است، باید چه به صورت عین، مثل یا قیمت به شاکی مسترد گردد. مطابق ماده ۹ قانون مجازات اسلامی، مالی که در اثر ارتکاب جرم، توسط مجرم تحصیل شده است، باید به صاحب آن مسترد شود؛ که این اموال شامل مالی است که از ید بزه دیده خارج و در ید بزهکار یا هر شخص دیگری که بزهکار نسبت به او در هر زمانی کنترل موثر دارد، قرار گرفته باشد.

([www.Geocities.com/Capitol/til/Lobby/3743/Proceeds.htm.77k.p.1](http://www.Geocities.com/Capitol/til/Lobby/3743/Proceeds.htm.77k.p.1))

به علاوه بر اساس ماده ۱۰ همین قانون نیز مقام قضایی باید تکلیف اشیا و اموال کشف شده را تعیین کند که در مورد شاکی، این اموال و اشیا بایستی با احراز هویت و تنظیم صورت جلسه به شاکی بازپس داده شوند. این الزام مجرم به بازپس دادن اموال حاصله از جرم، جنبه خسارت و نه کیفر را دارد (رحمدل، ۱۳۸۵: ۱۷۱). با وجود این در برخی موارد قانونگذار این رویه را با آوردن عنوان مصادره اموال ناشی از جرم، وصف کیفری داده است و از کلیت ماده ۹ قانون مجازات اسلامی خارج کرده است. به عنوان مثال، مقنن در ماده ۵۲۲ قانون مجازات اسلامی حکم به مصادره اموال ناشی از جرم داده است؛ در حالی که عوض این اموال، از عایدات مجرم است که از سوی شاکی به وی پرداخت شده است.

در قانون مجازات اسلامی صراحتی در جهت حمایت کیفری از این حق دیده نمی‌شود. به نظر می‌رسد بتوان به عبارت «رفتار برخلاف قانون» که در ماده ۵۹۷ آمده استناد کرد، اما قابلیت این استناد جای تأمل دارد. همچنین استناد به ماده ۲۰ «نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات قضات» در جهت تعقیب و محکومیت متخلف از دستور ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی نیز محتمل به نظر می‌رسد.

### ۳) حق درخواست صدور قرار تأمین خواسته

به منظور حفظ حقوق شاکی، قضات تحقیق و به طریق اولی قضات و دادرسان دادگاه‌ها در صورتی که دلایل اتهام و نیز دلایل ایراد خسارت به شاکی را کافی تشخیص دهند، موظف‌اند به اصدار قرار تأمین خواسته به منظور جلوگیری از ورود خسارت جبران ناپذیر به متقاضی آن اقدام کنند (آشوری، ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۲۵). ماده ۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری، بدین شرح حق درخواست صدور قرار تأمین خواسته را به شاکی داده است:

«شاکی می‌تواند تأمین ضرر و زیان خود را از دادگاه تقاضا کند. در صورتی که تقاضای شاکی مبتنی بر دلایل قابل قبول باشد دادگاه قرار تأمین خواسته را صادر می‌نماید. این قرار قطعی و غیرقابل اعتراض است.»

البته قسمت اخیر ماده با تصویب قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب (۱۳۸۱) نسخ شده و در حال حاضر قابل اعتراض است. با توجه به صراحت ماده ۷۴ که درخواست صدور قرار تأمین خواسته را حق شاکی دانسته است، اگر دادگاه با وجود شرایط لازم برای صدور قرار مذکور، به غیردلایل قانونی از صدور آن استنکاف ورزد و در نتیجه شاکی قادر به توقیف اموال متهم نگردیده و از این رهگذر ضرر و زیانی متوجه او شود، چه حمایت کیفری از این حق وی پیش‌بینی شده است؟

در این خصوص قوانین جزایی صراحتی ندارند ولی شاید بتوان به عبارت «برخلاف صریح قانون رفتار کند» مذکور در ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی، تمسک جست؛ چراکه منظور از این عبارت این است که قاضی عمداً در رسیدگی به دادخواست یا شکواییه برخلاف مقررات آیین دادرسی رفتار و تصمیمی اتخاذ کند که برخلاف صریح قانون باشد.

### ه) حق برخورداری از حاکمیت قانون

«اصل حاکمیت قانون» یکی از اصول مهم حقوقی است که براساس آن انجام کلیه امور سیاسی، اداری و قضایی و اتخاذ هر گونه تصمیم از طرف مقامات و مسئولان باید طبق قانون باشد. براساس اصل «حاکمیت قانون»، اقدامات و تصمیمات خودسرانه ممنوع و مردود است (آشوری، ۱۳۸۳: ۱۷۹). تضمین حقوق و آزادی‌های شهروندان و استقرار امنیت برای آنان، در گرو تنظیم اقتدار هیئت حاکمه از طریق وضع قوانینی است که حدود و اختیارات آنان را به نحو منطقی مشخص کند.

### ۱) حق مستدل و مستند بودن کلیه تصمیمات و اقدامات

کلیه تصمیمات و اقدامات مقام قضایی باید مستدل و مستند به قانون و یا اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است (اصل ۱۶۶ قانون اساسی). در اصل ۱۶۷ قانون اساسی نیز قاضی مکلف شده با استناد به قوانین مدونه یا منابع معتبر اسلامی و یا فتاوی معتبر، رسیدگی و حکم مقتضی صادر کند. ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری نیز به این تکلیف اشاره دارد. مواد ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تلویحاً به این حق اشاره نموده‌اند. رأی شماره ۲۲۲۹-۱۳۷۲/۱۱/۲۵ شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور در این خصوص قابل ذکر است که می‌گوید:

«حکم دادگاه باید مستدل به مواد قانونی و یا منابع معتبر فقهی بوده، رأی دقیق و مستدل با اشاره به مواد قانونی کامل انشاء و صادر شود.»

بند ۲ ماده واحده «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» نیز بر لزوم مستدل و مستند بودن کلیه محکومیت‌ها تأکید دارد. طبق ماده ۹ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب نیز قرارها و احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند قانون یا شرع و اصولی باشد که بر مبنای آن حکم صادر شده است.

برای حمایت کیفری از این حق ماده قانونی خاصی که به صراحت به آن اشاره نماید در قوانین جزایی ایران دیده نمی‌شود. شاید بتوان به ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی اشاره نمود که به «رفتار برخلاف صریح قانون» اشاره می‌کند. پس با توجه به اینکه قضات طبق اصل ۱۶۶ قانون اساسی و ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری بایستی آراء و تصمیمات خود را به صورت مستدل و مستند انشاء نمایند، تخطی از این دستور قانونی علاوه بر محکومیت انتظامی می‌تواند محکومیت کیفری نیز مطابق ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی داشته باشد.

ضمن اینکه این دسته از اقدامات غیرقانونی به عنوان تخلفات انتظامی در دادگاه عالی انتظامی قضات نیز قابل پیگردند؛ آرای زیادی نیز مبنی بر محکومیت قضات متخلف از این اصل با استناد به ماده واحده «مجازات صدور حکم غیرمستدل» (ماده واحده «مجازات صدور حکم غیر مستدل» مصوب اسفند ۱۳۰۹: «قضاتی که احکام خود را مدلل ننمایند به مجازات درجه ۲ الی ۶ ماده ۳۸ قانون استخدام کشوری محکوم خواهند شد.») از طرف دادگاه عالی انتظامی قضات صادر گردیده است.

## ۲) حق متناسب بودن احکام و قرارها با نوع جرم و زیان بزه دیده

کلیه احکام و قرارهایی که در پرونده کیفری صادر می‌گردد، باید با نوع جرم و میزان ضرر و زیان بزه دیده متناسب باشد. مواد مختلفی از قانون آیین دادرسی کیفری

از جمله مواد ۳۳، ۳۴، ۳۵ و ۱۳۴ به این نکته اشاره دارند. در مورد ماده اخیر نظریه شماره ۱۳۷۸/۸/۳-۷/۵۰۸۲ اداره حقوقی قوه قضائیه می‌گوید:

«میزان و مبلغ قرار وجه الضمان یا کفالت در هر حال باید با خسارت احتمالی که به شاکی خصوصی وارد شده متناسب باشد و این تشخیص با مقام صادرکننده قرار است.»

این قواعد و مقررات آمره بوده و مقام قضایی حق تخلف از دستور قانونی را ندارد. آرای محکومیت مختلفی در خصوص عدم رعایت تناسب میان تأمین مأخوذه با نوع جرم و زیان بزه دیده با استناد به ماده ۲۰ «نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات قضات» صادر گردیده است.

در مورد حمایت کیفری از این حق می‌توان به ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی استناد نمود؛ چراکه عدم رعایت تناسب میان تأمین مأخوذه با نوع جرم و زیان بزه دیده، رفتاری برخلاف صریح دستور ماده ۱۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری است که متخلف از این امر مستوجب محکومیت کیفری مندرج در ماده فوق‌الاشعار خواهد بود.<sup>۱۴</sup> هرچند ماده ۱۳۴ به تناسب تأمین اشاره دارد، ولی به طریق اولی رعایت این تناسب در صدور احکام نیز باید مدنظر قرار گیرد.

### نتیجه گیری:

با بررسی و تحلیل قوانین کیفری تضمین کننده حقوق شاکی، می‌توان دریافت که در بعضی موارد ابهام و اجمال قوانین سبب می‌شود که اصول دادرسی عادلانه مورد تردید قرار می‌گیرد؛ چراکه برای این دسته از حقوق حمایت های کیفری منسجم، یکسان و متشکلی وجود ندارد. حتی برخی از این حقوق مثل حق تهیه رونوشت از

صورت جلسات تحقیقات مقدماتی، حق استرداد اموال، حق درخواست صدور قرار  
تامین خواسته، فاقد ضمانت اجرایی هستند.

اگرچه این حقوق در نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات قضات، حمایت  
گردیده‌اند، لیکن این حمایت‌ها جنبه انتظامی و نه کیفری دارند؛ صرف نظر از این که  
این نحوه از حمایت از حقوق افراد در قلمرو امور کیفری به هیچ وجه مناسب نیست،  
لذا ضروری است که قانونگذار با وضع مقررات واضح و مشخص، به رفع این نواقص  
و خلاءهای قانونی بپردازد.



## پی‌نوشت‌ها

- ۱- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی یکی از عهدنامه‌های سازمان ملل متحد بر پایه اعلامیه جهانی حقوق بشر است. این میثاق در سال ۱۹۶۶ ایجاد شد و در ۲۳ مارس ۱۹۷۶ رسمیت یافت. میثاق بین‌المللی از حقوق بنیادینی مثل حق حیات، حق رهایی از توقیف یا بازداشت خودسرانه، حق رهایی از شکنجه و رفتارهای غیرانسانی و حق دادرسی عادلانه حمایت می‌کند.
- ۲- اعلامیه جهانی حقوق بشر یک پیمان بین‌المللی است که در دسامبر ۱۹۴۸ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسیده است و شامل ۳۰ ماده است. این اعلامیه به تشریح دیدگاه سازمان ملل متحد در مورد حقوق بشر می‌پردازد. مفاد این اعلامیه حقوق بنیادی مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را که باید انبای بشر در هر کشوری از آن برخوردار باشند؛ مشخص کرده است.
- ۳- کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مصوب ۲۲ نوامبر ۱۹۶۹ سن خوره - کاستاریکا می‌باشد و از ۱۸ ژوئیه ۱۹۷۸ لازم‌الاجراء شده است.
- ۴- کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب ۴ نوامبر ۱۹۵۰ در رم - ایتالیا می‌باشد و از تاریخ ۳ سپتامبر ۱۹۵۳ لازم‌الاجراء شده است.
- ۵- ماده ۲۰ «نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات قضات»: «هر یک از قضات و صاحبان مناصب پارکه و مستنطقین که در ضمن انجام وظیفه رعایت قوانین موضوعه را ننمایند به نسبت تخلفاتی که از مستخدم مزبور سرزده است به مجازات درجه ۲ الی ۴ ماده ۳۸ قانون استخدام کشوری محکوم خواهد شد.»
- ۶- برای شهادت دادن، شاهد باید شرایطی داشته باشد که این شرایط در ماده ۱۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری منحصر به بلوغ، عقل، ایمان، طهارت مولد عدالت، عدم وجود انتفاع شخصی برای شاهد یا رفع ضرر از وی، عدم وجود دشمنی دنیوی بن شاهد و طرفین دعوا و عدم اشتغال به تکدی و ولگردی می‌باشد.
- ۷- اگر کسی واقعه موردنظر را شخصاً شاهد نبوده است و صرفاً به ارائه اطلاعات خود می‌پردازد، اظهارات وی در حد اماره قضایی و برای مزید اطلاع پذیرفته می‌شود.
- ۸- در این خصوص مواد ۸۳ الی ۹۳ قانون آیین دادرسی کیفری و مواد ۱۸ و ۱۹ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری (۱۳۸۱) به طرق انتخاب کارشناسان و چگونگی اعلام نظر آنها به دادگاه صراحت دارد.

- ۹- ماده ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هر کس به عنوان عضو اجتماع حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است به وسیله مساعی ملی و همکاری بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمه مقام و نمو آزادانه شخصیت اوست با رعایت تشکیلات و منابع هر کشور به دست آورد.»
- ۱۰- ماده ۱۴ قانون «اقدامات تأمینی» مصوب ۱۳۳۹/۲/۱۲: «هرگاه شخصی که دیگری را تهدید به ارتکاب جرمی کرده، بیم آن رود که واقعاً مرتکب آن اقدام گردد یا هرگاه شخصی که محکوم به مجازات جنایی یا جنحه گردیده صریحاً نظرش را بر تکرار جرم اظهار نماید، دادگاه بنا بر تقاضای شخص تهدید شده یا متضرر از جرم می‌تواند از او بخواهد مرتکب جرم نگردیده وجه الضمانه متناسب برای این امر بدهد.»
- ۱۱- ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید مورد مداخله های خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هر کس حق دارد که در مقابل این گونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد.»
- ۱۲- ماده ۱۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی: «۱- هیچ کس نباید در زندگی خصوصی و خانواده و اقامتگاه یا مکاتبات مورد مداخلات خودسرانه (بدون مجوز) یا خلاف قانون قرار گیرد و همچنین شرافت و حیثیت او نباید مورد تعرض غیرقانونی واقع شود؛ ۲- هر کس حق دارد در مقابل این گونه مداخلات یا تعرضها از حمایت قانون برخوردار شود.»
- ۱۳- ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر: «۱- هر کس حق دارد که حرمت زندگی خصوصی و خانوادگی، خانه و مکاتبات وی حفظ شود؛ ۲- مرجع عمومی هیچ مداخله ای نباید در اعمال این حق کند؛ مگر آن چه طبق قانون باشد و در جامعه دموکراتیک به جهت حفظ مصالح امنیت ملی، سلامت عمومی یا رفاه اقتصادی کشور، حفظ نظم و پیشگیری از جرایم، حمایت از بهداشت و اخلاقیات یا حمایت از حقوق، آزادی های دیگران لازم باشد.»
- ۱۴- ماده ۱۳۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری: «تأمین باید با اهمیت جرم و شدت مجازات و دلایل و اسباب اتهام و احتمال فرار متهم و از بین رفتن آثار جرم و سابقه متهم و وضعیت مزاج و سن و حیثیت او متناسب باشد.»

## منابع

- ۱) آخوندی، محمود، (۱۳۸۲)، «آیین دادرسی کیفری»، ج ۵، نشر میزان، چاپ اول.
- ۲) آشوری، محمد، (۱۳۸۲)، «آیین دادرسی کیفری»، ج ۲، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- ۳) \_\_\_\_\_، (۱۳۸۳)، «حقوق بشر و مفاهیم مساوات و عدالت و انصاف»، نشر دانشگاه تهران، چاپ اول.
- ۴) امیدی، جلیل، (۱۳۷۹)، «حقوق بشر در دعاوی کیفری براساس اسناد بین المللی و منطقه‌ای»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۴۹.
- ۵) امیر ارجمند، اردشیر، (۱۳۸۱)، «مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر»، ج ۱، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.
- ۶) خالقی، علی، (۱۳۸۷)، «آیین دادرسی کیفری»، نشر شهر دانش، چاپ اول.
- ۷)
- ۸) رحمدل، منصور، (۱۳۸۵)، «مال و عوائد حاصله از جرم و معکوس شدن بار اثبات»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۷۲.
- ۹) شکری، رضا و سیروس، قادر، (۱۳۸۱)، «قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی»، چاپ اول، نشر مهاجر.
- ۱۰) صالحی، جواد، (۱۳۸۷)، «سیاست کیفری و سیاست جنایی»، مجله تعالی حقوق، ش ۲۵.
- ۱۱) قربان زاده، حسین و خدادی، ابوالقاسم، (۱۳۸۶)، «حفظ حقوق شهروندی در پرتو حاکمیت قانون و تشکیلات قضایی مطلوب»، مقالات برگزیده همایش حقوق شهروندی، مرکز مطبوعات و انتشارات حوزه ریاست قوه قضاییه.

۱۲) گودرزی بروجردی، محمدرضا، (۱۳۸۴)، «سیاست جنایی قضایی»، انتشارات سلسبیل، چاپ اول.

۱۳) میرزایی، اسد...، (۱۳۸۶)، «حمایت از بزه دیده گان و شهود در برابر تهدید در فرایند دادرسی»، مقالات برگزیده همایش حقوق شهروندی، مرکز مطبوعات و انتشارات حوزه ریاست قوه قضاییه.

14) [www.Geocities.com/CapitolItil/Lobby/3743/Proceeds.htm.77k](http://www.Geocities.com/CapitolItil/Lobby/3743/Proceeds.htm.77k).